


"Comparative Study of Principles and Requirements Related to Determining the Conditions for, and the Process of, Verification of Election Candidates"

 **Mohammad Hassan Abolhasani**


Full-time LLM student in Islamic Studies and Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadeq University (AS), Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: h.abolhasani@isu.ac.ir

 **Ali Fattahi Zafarghandi**

holder of PhD in Public Law, Faculty of law in University of Tehran, Tehran, Iran Email: a.fattahi.zafarghandi@gmail.com

 **Mohammad Javad Shafaghi**

PhD student in Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran Email:m.shafaghi@ut.ac.ir

 **Mohammad Matin Salmani**

LLM student in Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran Email: matinsalmani99@gmail.com

Received: ۲۰۲۴-۱۰-۱۶

Accepted: ۲۰۲۵-۰۴-۰۵



Abstract

In the constitutions of many countries, the right to self-determination and political participation of the people through the device of elections has been accepted as one of their fundamental rights and is considered a necessity of the social and political life of those societies. Holding elections and selecting those elected by voters is dependent on the existence of basic conditions in the electoral law system of countries. Since elections are an opportunity for succession and transfer of positions and responsibilities in society, there must be principles governing its conditions and process. For this purpose, using a descriptive-analytical method and relying on reliable library documents, this article seeks to answer the question with a comparative perspective:

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 8 | No. 28 | Autumn 2025
(Original Article)

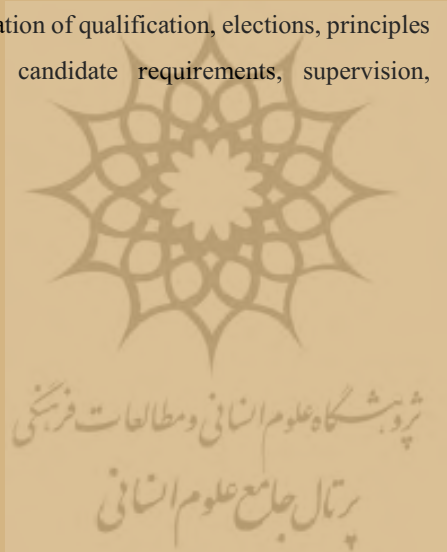
www.jcl.illrc.ir

DOI:

۱۰.۲۲۰۳۴/۰۰۰.۲۰۲۵.۲۰۲۴۳۶۰۹.۱۴۶۹

what principles and requirements govern the conditions and process of complying with these conditions for electoral candidates, and what measures have legal systems devised for this purpose. The research findings show that by using the experience and inspiration from the legal systems of countries, it is possible to study, examine, and amend the principles and requirements governing the conditions of those selected in two areas : principles related to determining the conditions and the process of qualifying candidates, which are discussed in this research.

Keywords: verification of qualification, elections, principles and requirements, candidate requirements, supervision, comparative study



«مطالعه تطبیقی اصول و بایسته‌های مرتبط با تعیین شرایط و فرایند احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات»

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

Mh.abolhasani@isu.ac.ir

دکتری حقوق عمومی دانش آموخته دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران

a.fattahi.zafarghandi@gmail.com


دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران


m.shafaghi@ut.ac.ir

دانشجو دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
matinsalmani99@gmail.com

محمدحسن ابوالحسنی 

علی فتاحی زفرندی 

محمدجواد شفق 

محمدمتین سلمانی 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۸ | پاییز ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2043609.1469

چکیده

در بسیاری از قوانین اساسی کشورها، حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم از طریق ابزار انتخابات به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین آنان پذیرفته شده است و از ملزومات زندگی اجتماعی و سیاسی آن جوامع محسوب می‌شود. برگزاری انتخابات و برگزیدن انتخاب‌شوندگان توسط انتخاب‌کنندگان منوط به وجود شرایط اساسی در نظام حقوق انتخاباتی کشورهاست. از آن جایی که انتخابات فرصتی برای جانشینی و انتقال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است، می‌بایست اصولی حاکم بر شرایط و فرایند آن باشد. به همین منظور این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای معتبر، با نگاهی تطبیقی در پی پاسخ‌دهی به این پرسش است که چه اصول و بایسته‌هایی ناظر به شرایط و فرایند تطبیق این شرایط بر داوطلبان انتخاباتی، حاکم بوده و نظامات حقوقی چه تدبیری برای آن اندیشیده‌اند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از تجربه و الهام از نظام حقوقی کشورها، امکان مطالعه، بررسی و اصلاح اصول و بایسته‌های حاکم بر شرایط انتخاب شوندگان در دو حوزه اصول مربوط به تعیین شرایط و فرایند احراز صلاحیت داوطلبین وجود دارد که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: احراز صلاحیت، انتخابات، اصول و بایسته‌ها، شرایط داوطلبان، نظارت، مطالعه تطبیقی



مقدمه

مشارکت مردم در حکمرانی و قدرت یک کشور، ضرورتی است که با دلایل متعدد مورد تأکید و پذیرش حقوق دانان و عموم مردم قرار گرفته است. یکی از ابزارهای مسلم در جهت مشارکت مردم، انتخابات است که به عنوان متداول‌ترین شیوه مشارکت مردمی و انتخاب زمامداران، مورد توجه قرار گرفته است. در این رابطه، مقدماتی برای مشارکت در نظر گرفته شده است که یکی از مهم‌ترین موارد آن، موضوع شرایط داوطلبان انتخاباتی و سازوکار تعیین آن‌هاست. در هر نظام حقوقی شرایطی برای انتخاب شوندگان و نظارت بر آنها وجود دارد که البته بسته به نوع نظام سیاسی، نوع انتخابات و سایر متغیرها متفاوت است.

اصل وجود شرایط و انطباقشان با وضعیت انتخاب شوندگان، منطقی بوده و تنها در نوع، حدود و میزان آن، بسته به نوع نظام سیاسی و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. به همین منظور برای تعیین این شرایط، اصول و بایسته‌هایی قابل طرح است که بر اساس آن، شرایط تعیین می‌گردد. با نگاهی به قوانین و مقررات مربوط به انتخابات در سایر نظام‌های حقوقی دنیا و نیز دکتترین حقوقی در این زمینه، اصول و بایسته‌هایی قابل استخراج و تحلیل است.

تعیین شرایط داوطلبان به این معنا که چه شرایطی برای داوطلبان جهت ورود به عرصه سیاسی کشور در نظر گرفته شود و فرایند احراز صلاحیت داوطلبان به این معنا که چه مقدمات و مسیری برای انطباق آن شرایط با وضعیت انتخاب شوندگان وجود دارد، دو بخش بسیار مهم و حیاتی از هر انتخابات بوده که نیازمند اصول و بایسته‌هایی است تا از طریق آن شرایط و فرایند به نحو کارآمد و صحیحی تنظیم گردد.

تعیین اصول و بایسته‌های مرتبط با شرایط و فرایند احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات باید بر اساس معیارهای قانونی مانند اسناد بالادستی، نظام حقوقی و ساختار سیاسی کشور؛ همچنین مبتنی بر عدالت سیاسی باشد که مانع هرگونه تبعیض مثبت یا منفی علیه افراد شود؛ درضمن آنکه عاملی بر شفافیت، عینیت اصول و بایسته‌ها، تناسب با جایگاه انتخاباتی و دارای مقبولیت عمومی و حمایت اجتماعی باشد. از طرف دیگر تعیین این اصول بر اساس معیارهایی صورت می‌گیرد که تضمین‌کننده سلامت، کارآمدی و

مشروعیت انتخابات باشند. در این معنا کارآمدی، سلامت و مشروعیت انتخابات ایجاب می‌کند که قوانین و فرایندها به‌گونه‌ای طراحی شوند که از پیچیدگی‌های غیرضروری و بروکراسی ناکارآمد جلوگیری کنند و مانع فساد، بی‌عدالتی در فرایند انتخابات و مسائلی از این دست شوند.

نکته مهم دیگر آنکه، انتخاب این اصول و اینکه چرا دیگر اصول احتمالی نیز در متن بحث نشده می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ ولی مهم‌ترین آن مسئله جامعیت و مانعیت نوشتار است؛ یعنی اصول انتخاب‌شده باید دربرگیرنده مهم‌ترین ابعاد موضوع باشند و درعین حال از ورود به جزئیات غیرضروری که ممکن است از تمرکز پژوهش بکاهد، پرهیز شود. همچنین، این اصول بر اساس تجربیات عملی در نظام‌های انتخاباتی مختلف و مطالعات تطبیقی گزینش شده‌اند تا بتوانند الگوی مؤثری برای اصلاحات انتخاباتی ارائه دهند. علاوه بر این، حفظ انسجام استدلالی و ارائه یک چارچوب منطقی که بتواند به پرسش‌های اصلی پژوهش پاسخ دهد، نقش مهمی در این گزینش داشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد که انتخاب این اصول بر اساس اهمیت موضوع، قابلیت اجرایی، و تأثیرگذاری آن‌ها در نظام‌های حقوقی و سیاسی مختلف انجام شده است.

از این‌رو مقاله پیش‌رو با نگاهی تطبیقی به قوانین و مقررات مربوط به انتخابات در سایر نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف دنیا و اسناد و مطالعات حقوقی مرتبط در این باره به دنبال پاسخ به این پرسش به‌عنوان سؤال اصلی است که اصول و بایسته‌های حاکم در زمینه تعیین شرایط داوطلبان انتخاباتی و فرایند احراز صلاحیت ایشان کدام و بر همین اساس، چه آثار و لوازمی بر آن مترتب است؟ روش مقاله توصیفی - تحلیلی بوده که با بهره‌گیری از اسناد معتبر کتابخانه‌ای و قوانین و مقررات مرتبط در کشورهای مختلف به بسط این پژوهش پرداخته است.

تاکنون آثار و منابع کثیری با موضوع بررسی حقوقی شرایط داوطلبان انتخاباتی با دید تطبیقی به نگارش درآمده از جمله کتاب «حقوق انتخابات دموکراتیک» اثر حسن خسروی، مقاله «بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرایند نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و سایر کشورها» از عبدالرضا بای و دیگران و یا مقاله‌ای با موضوع

«شرایط انتخاب‌شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی ایران با نگاهی تطبیقی» اثر سید احمد حبیب‌نژاد و سایر موارد؛ اما آنچه این پژوهش را متمایز با سایر آثار می‌سازد، استخراج اصول و بایسته‌های کلی و حاکم به‌صورت جامع و مانع در زمینه تعیین شرایط و فرایند احراز صلاحیت است که می‌تواند به‌عنوان نقشه راه و قواعد کلی مدنظر قرار گیرد. همچنین مطالعه تطبیقی و توجه به‌نظام حقوقی - انتخاباتی سایر کشورها نیز بعد دیگری از نوآوری این پژوهش است.

بدین ترتیب با این توضیحات، مقاله پیش رو در دو بخشی که بیان شد و به همان ترتیب به طرح بحث می‌پردازد و در پایان با بهره‌گیری از نظام انتخاباتی سایر کشورها، اصول و بایسته‌های هر بخش که معنا و مفهوم خاص خود را دارد، تبیین و ارائه می‌گردد.

۱- بایسته‌های حاکم بر تعیین شرایط داوطلبان انتخابات

چنان‌که بیان شد اصل وجود شرایط جهت ورود به رقابت سیاسی انتخابات در همه نظام‌های سیاسی مورد پذیرش است اما در زمینه تعیین کمیت و کیفیت و حدود شرایط مزبور نیاز است تا از سوی قانون‌گذار و سیاست‌گذار به اصول و لوازمی پایبند بود تا از چالش‌های حقوقی در مسیر مجریان انتخاباتی جلوگیری شود.

۱-۱. اصل قانونی بودن تعیین شرایط

در برداشتی وسیع‌تر اصل قانونی بودن ارتباط تنگاتنگی با اصل حاکمیت قانون دارد که بر اساس آن کلیه اعمال مقامات عمومی باید در چارچوب قانون صورت پذیرد به‌نحوی که از اعمال سلیق شخصی خودداری شود و کلیه مقامات به دلیل برابری در مقابل قانون، پاسخ‌گویی اعمال خود باشند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۴). در زمینه تعیین شرایط داوطلبان انتخاباتی نیز اصل قانونی بودن یا حاکمیت قانون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نتیجه و فایده عملی رعایت اصل قانونی بودن و حاکمیت قانون در زمینه تعیین شرایط داوطلبی آن است که رسیدگی به صلاحیت افراد تنها بر اساس موارد قانونی تعیین شده خواهد بود و هیچ شرط و صلاحیت دیگری غیر از آن چه در قانون مشخص شده ملاک بررسی قرار نمی‌گیرد. بنابراین امکان عدول از شرایط تعیین شده یا اعمال نظر و سلیقه شخصی مجریان در مقام اجرا به حداقل می‌رسد.

نتیجه دیگر آن که با مشخص بودن ملاک‌ها به صورت قانونی آمار ثبت نام در انتخابات کاهش یافته و تنها افرادی که کاملاً واجد شرایط قانونی باشند، اقدام می‌کنند و دیگر آن که چنان که در ادامه مطرح خواهد شد، این اصل زمینه و امکان شکایت و دادخواهی انتخاباتی از مراجع رد صلاحیت داوطلبان را فراهم می‌کند به نحوی که افراد می‌توانند در صورت عدم استناد به شرایط قانونی از سوی مراجع مزبور، دادخواهی نمایند (رضائی زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

در این رابطه می‌توان به سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴ اشاره کرد. سیاست‌های مزبور با تأکید بر حاکمیت قانون و ضرورت اجرای فرایندهای انتخاباتی بر مبنای قوانین مصوب، اهمیت اصل قانونی بودن تعیین شرایط و احراز صلاحیت را منعکس می‌کنند. نظارت شورای نگهبان بر فرایندهای انتخابات طبق مَرّ قانون و پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و رعایت کامل بی طرفی توسط مجریان و ناظران (بندهای ۱۱ و ۱۵)، بیانگر التزام به اجرای قانونی و جلوگیری از هرگونه تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و خلاف قانون است. این امر اعتماد عمومی را تقویت نموده و از انحراف در فرایندهای انتخاباتی جلوگیری می‌کند.

به هر حال تعیین قانونی شرایط داوطلبی از چنان اهمیتی برخوردار است که در آرای قضایی قابل رویت است از جمله در پرونده آقای کارا مورزا علیه روسیه.^۱ ایشان روزنامه‌نگار و سیاست‌مدار مخالف، دارای ملیت روسی و انگلیسی در سال ۲۰۱۳ توسط یک حزب سیاسی مخالف به عنوان نامزد انتخابات مجلس قانون گذاری منطقه‌ای در روسیه معرفی شد و توسط کمیسیون انتخابات آن منطقه ثبت نام کرد. ثبت نام او متعاقباً توسط دادگاه منطقه‌ای باطل شد، چراکه شهروندان دارای تابعیت چندگانه از شرکت در انتخابات منع می‌شدند. دادگاه اروپایی حقوق بشر به دلیل اینکه ممنوعیت منع متقاضی برای نامزد شدن در انتخابات، یک اقدام محدودکننده بوده، حکم داد که ابطال ثبت نام متقاضی

۱ . . Kara-Murza v. Russia

به منزله تداخل در حق وی برای نامزدی انتخابات است که شرط قانونی بودن را برآورده می‌کند.^۱

۱-۲. اصل عینی بودن تعیین شرایط

به نظر می‌رسد عینیت در معنای ابتدایی و علمی آن، وضعیتی است که سوژه تلاش می‌کند از هرگونه سوگیری، باورهای شخصی و نادرست و احساسات برای مطالعه جهان طبیعی دوری کند. در این معنا در رابطه با عینیت، تکرارپذیری و آزمون‌پذیری اصول مهمی تلقی می‌شوند. از طرفی محقق عینی گرا هم از هرگونه ارزش‌گذاری و تمایلات شخصی در تبیین و توصیف رویدادها دوری می‌کند. این استقلال در داوری و فهم پدیده‌ها نکته مهمی است که عینی‌گرایی را متمایز می‌کند. در نتیجه این گونه می‌توان نتیجه گرفت که عینیت‌بخشی به هر شرط، پدیده یا اشیا به این معنا خواهد بود که در ابتدا سلیق، احساسات و نظرات شخصی در فهم آن‌ها دخیل نشود و در نهایت برای اندازه‌گیری و ایجاد مقیاس برای آن‌ها، دچار تعدد نتایج و تخریب سنجش نشود (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۲۰).

در مبحث انتخابات و شرایط و بایسته‌های حاکم بر تعیین شرایط برای احراز صلاحیت‌ها هم یکی از بایسته‌ها مسئله عینی بودن شرایط است که با مقدمه بالا می‌توان این گونه گفت که در تعیین شرایط، عینی بودن یعنی بتوان شرایط را در مقیاسی همه‌شمول و تکرارپذیر برای همه نامزدها مورد استفاده قرارداد و در نهایت بتوان صلاحیت آن‌ها را برای ورود به مرحله کاندیداتوری پذیرش یا رد کرد. این شرایط باتوجه به توضیحات بند اول نه تنها باید آزمون‌پذیر و تکرارپذیر باشند بلکه باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان دخیل کردن نظرات، سلیق و سوگیری‌های شخصی به حداقل برسد و این می‌تواند خود مقدمه نوعی کمی‌گرایی در ایجاد شرایط باشد.

سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴ با تأکید بر ارتقای شایسته‌گزینی در انتخاب داوطلبان و تعیین شاخص‌های شایستگی و لحاظ کردن معیارهای کارآمدی، سلامت اخلاقی و التزام عملی به قانون اساسی و قوانین مربوطه (بند ۱۰)، اصل عینی و

^۱. برای مطالعه پرونده و رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

متناسب بودن شرایط با نوع انتخابات را مورد توجه قرار داده‌اند. این امر موجب می‌شود شرایط داوطلبان بر اساس معیارهای قابل سنجش و مرتبط با مسئولیت‌های مورد نظر تعیین گردد و از اعمال سلیقه‌های شخصی در ارزیابی‌ها جلوگیری شود. در ادامه به بررسی نظام حقوقی انتخابات چندی از کشورها با توجه به عینی بودن شرایط می‌پردازیم:

۲-۱-۱. آلمان: جمهوری فدرال آلمان به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور اتحادیه اروپا و دارا بودن یک سیستم سیاسی دموکراتیک اهمیت زیادی برای مطالعه تطبیقی قوانین اساسی دارد. این کشور دارای دولتی چندحزبی و پارلمانی است که صدراعظم^۱ توسط مجلس فدرال آلمان یا بوندستاگ^۲ انتخاب می‌شود. با توجه به این که بالاترین قدرت سیاسی در آلمان همان صدراعظم است، بنابراین باید مجلس فدرال و اعضای آن اهمیت زیادی در ساختار سیاسی این کشور داشته باشند. در فصل سوم، اصل ۳۸ ام، بند دوم و سوم قانون اساسی این کشور^۳ قید شده است که حداقل سن برای انتخاب شدن ۱۸ سال تمام است و همچنین جزئیات آن توسط فدرال‌ها تعیین خواهد شد. اصولاً یکی از اولین شرایط موجود در قوانین اساسی هر کشوری مربوط به حداقل سن است که در آلمان نیز ۱۸ سال به‌عنوان حداقل سن در نظر گرفته شده است، همچنین این شرط جزو عینی‌ترین شرایط در هر انتخاباتی است و نیازی به هیچ‌گونه تفسیر بعدی ندارد.

معیار قانونی بودن ایجاب می‌کند که شرایط داوطلبان به‌صورت صریح و دقیق در قوانین مشخص شود و تفسیر سلیقه‌ای در احراز صلاحیت به حداقل برسد. در آلمان، تمامی شرایط مربوط به نامزدی در انتخابات از جمله حداقل سن (۱۸ سال)، تابعیت و فرایند بررسی صلاحیت در قانون اساسی و قوانین انتخاباتی فدرال تصریح شده است. این امر به شفافیت حقوقی و جلوگیری از تفسیرهای ناعادلانه کمک می‌کند که دقیقاً با معیار « اصل قانونی بودن» تطابق دارد.

۱. Bundeskanzler

۲. Deutscher Bundestag

۳. Constitution of the Federal Republic of Germany

۲-۱-۲. ایالات متحده امریکا

در بررسی شرایط نامزدها، صراحتاً قانون اساسی این کشور چندین شرط را ذکر کرده است. اصل دوم بخش اول بند پنجم قانون اساسی ایالات متحده^۱ در مورد ویژگی‌های کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا اشعار می‌دارد:

«هیچ شخصی به جز یک شهروند طبیعی متولد شده، یا شهروند ایالات متحده، در زمان تصویب این قانون اساسی، واجد شرایط مقام ریاست جمهوری نخواهد بود. همچنین هیچ فردی که به سن سی و پنج سال نرسیده باشد و چهارده سال در ایالات متحده اقامت نداشته باشد، واجد شرایط آن مقام نخواهد بود».

این شرایط اولیه که در قانون اساسی این کشور ذکر شده است نشان از صراحت لهجه در بررسی شرایط نامزدهاست. منظور از شرایط اولیه این است که این کشور نیز به‌مانند دیگر کشورهای دموکراتیک مانند آلمان که دارای نظام حزبی قدرتمندی است، این احزاب هستند که از بین اعضای خود به واسطه رأی‌گیری مخفی، کاندیدایی را برمی‌گزینند. خروج از وضعیت حزبی، عملاً امکان‌پذیر نیست.

۲-۱-۳. ترکیه

این کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران، از اهمیت زیادی برای مطالعه تطبیقی حقوق اساسی برخوردار است. ترکیه دارای یک نظام سیاسی ریاستی (بعد از اصلاحات قانون اساسی سال ۲۰۱۷) و همچنین دارای پارلمان و شهردار انتخابی است. طبق اصل ۶۸ قانون اساسی ترکیه^۲، احزاب، اصلی اساسی در این کشور دموکراتیک به حساب می‌آیند. در اصل ۷۶ قانون اساسی این کشور، افراد بالای ۳۰ سال را به‌طور پیش‌فرض دارای صلاحیت برای شرکت در انتخابات می‌داند در صورتی که به واسطه شرایطی که بعداً می‌آید، رد صلاحیت شود: اشخاصی که تحصیلات ابتدایی خود را به پایان نرسانده‌اند، از توانایی قانونی محروم شده‌اند، خدمت سربازی اجباری را انجام نداده‌اند یا

^۱ Constitution of the United States of America

^۲ . Constitution of Türkiye

از خدمت وظیفه عمومی محروم شده‌اند و جرائمی که جزای حبس یک سال یا بیشتر از آن داشته باشد و یا کسانی که به دلیل جرائم سنگینی مانند اختلاس، فساد، ارتشاء، سرقت، کلاهبرداری، جعل، خیانت در امانت، ورشکستگی متقلبانه محکوم شده‌اند و همچنین اشخاصی که به اتهام قاچاق، تبانی در مناقصه رسمی یا خرید، جرائم مربوط به افشای اسرار دولتی، مشارکت در فعالیت‌های ایدئولوژیک و آناشیشستی و تحریک و تشویق به این‌گونه فعالیت‌ها محکوم شده‌اند، حتی در صورتی که مورد عفو قرار گیرند هم رد صلاحیت خواهند شد. قضات دادگستری، ارتشیان، اعضای شورای عالی آموزش و پرورش هم تنها در صورت استعفا از منصب قبلی خود، امکان شرکت در انتخابات به عنوان نامزد را خواهند داشت.

طبق اصل ۷۹ نیز انتخابات مجلس توسط شورای عالی انتخابات برگزار می‌شود که تحت نظارت دستگاه قضایی کشور است. انتخابات ریاست جمهوری ترکیه هم شرایط خاص خود را دارد. طبق اصل ۱۰۱ قانون اساسی این کشور، نامزد این منصب حداقل باید چهل ساله و شهروند این کشور باشد همچنین حداقل باید دوره کارشناسی را فارغ از هر موضوعی طی کرده باشد و در مجلس ملی ترکیه هم عضو نباشد یا باید استعفا دهد. تحزب اهمیت زیادی برای شنیدن شدن سخن نامزد خواهد داشت. احزابی که حداقل ۵ درصد از انتخابات مجلس قبلی را کسب کرده باشد، می‌توانند نامزد معرفی کنند و افرادی که مستقلانه قصد شرکت داشته باشند، باید حداقل ۱۰۰ هزار امضا از واجدان شرایط برای شرکت در انتخابات راجع کنند.

۳-۱. اصل شفافیت و عقلانی بودن تعیین شرایط

از مهم‌ترین اصول و بایسته‌های حاکم بر تعیین شرایط انتخاب‌شوندگان در انتخابات، اصل شفافیت شرایط است؛ بر طبق این اصل، شرایطی که از سوی قانون‌گذار با رعایت سایر بایسته‌ها در نظر گرفته می‌شود، باید روشن، شفاف و مشخص بوده و خالی از هرگونه ابهام باشد. وجود هرگونه تردید در مفهوم شرایط، باعث بروز مشکلات در تشخیص و انطباق شرایط با انتخاب‌شوندگان می‌شود.

نکته‌ای که در این زمینه حائز اهمیت است ارتباط شفافیت و عینی بودن شرایط است. (عباسی لاهیجی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۲) در شفافیت شرایط، سعی می‌شود تا حد امکان شرایط مبهم نبوده و تردیدی میان چند مفهوم وجود نداشته باشد حال آنکه در عینی بودن، کمی بودن شرایط مدنظر قرار می‌گیرد و تلاش برای کاهش معیارها و شرایط کیفی برای جلوگیری از اعمال سلیقه و رعایت حقوق اشخاص می‌شود.

از دیگر اصولی که در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، اصل عقلانی بودن شرایط انتخاب‌شوندگان است بدین معنا که شرایط باید به گونه‌ای وضع گردند تا عقلای جامعه، حضور آن شخص در مقام تصدی آن مسئولیت را ممتنع و غیرممکن نشمارند؛ به طور مثال ارتکاز عقلا حکم می‌کند که اشخاص دارای سنی کمتر از سن قانونی، صلاحیت حضور در انتخابات برای برگزیده شدن را نداشته باشند. در ادامه به بررسی کشورهایی که به شفافیت و عقلانی بودن در تعیین شرایط، اهمیت قائل شده‌اند می‌پردازیم:

۳-۱-۱. انگلستان

در انتخابات مجلس انگلستان، شرط اصلی عبارت است از دارا بودن تابعیت بریتانیایی یا ایرلندی یا سرزمین‌های مشترک‌المنافع. همچنین افرادی که بالای ۲۱ سال سن دارند می‌توانند کاندیدا شوند.

بر اساس قانون نمایندگی مصوب^۱ ۱۹۸۵ کسانی که داوطلب عضویت در مجلس عوام هستند باید جهت ثبت نام یک ودیعه به مبلغ ۵۰۰ پوند بسپارند. چنانچه داوطلب بتواند پنج درصد آرا را به دست آورد این ودیعه به وی مسترد خواهد شد، در غیر این صورت سپرده را از دست خواهد داد. علاوه بر سپردن ودیعه، ۱۰ نفر از کسانی که حق رأی دارند باید فرم ثبت نام داوطلب را امضا نمایند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۳۸)، به علاوه کاندیدا باید یک فرم را که مصدق و تایید کننده رضایت وی برای ثبت نام باشد را تکمیل کند. در واقع این امر نوعی ضمانت اجرا در راستای پرهیز از ثبت نام‌های غیر ضرور و به نوعی اعتبار بخشی به نظام انتخاباتی است که در راستای عقلانی بودن شرایط گام برمی‌دارد.

^۱. Representation of the People Act 1985

۳-۱-۲. فرانسه

به دلیل پیشرو بودن در استقرار نظام جمهوری، نقش مهمی در تبیین مبانی، اصول و چارچوب مقوله انتخابات داشته است و از همین رو، نظام انتخاباتی و چارچوب مربوط به آن در این کشور، الگوی بسیاری از کشورهای دیگر قرار گرفته است از جمله آن که رأی‌دهندگان جهت اعمال حق رأی خود باید از قبل در فهرست‌های انتخاباتی ثبت‌نام کنند. (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۶) در این رابطه باید گفت داوطلبان انتخابات نیز در صورتی که در دور اول یا دور دوم کمتر از پنج درصد آرای کسانی که اسامی شان در لیست انتخاباتی ثبت شده، کسب کنند مبلغ مقرر در قانون انتخاباتی به ایشان مسترد نخواهد شد. سن رای‌دهندگان ۱۸ سال تمام می‌باشد. کاندیدا هم باید ۳۳ سال تمام داشته باشد. اتباع خارجی با کسب تابعیت فرانسه بعد از پنج سال تابعیت می‌توانند رای بدهند و پس از ده سال تابعیت می‌توانند کاندیدا شوند. چنانکه بیان شد مسئله محدودیت سنی که در همه نظام‌های حقوقی مطرح گردیده به نوعی نشان‌دهنده اتفاق عقلا بر لزوم پیش‌بینی چنین محدودیتی است. چه آن‌که در رابطه با پیش‌بینی مبلغی برای دریافت از داوطلبان نیز اهداف منطقی وجود دارد که جنبه عقلایی بودن شرایط را تأمین می‌کند.

در خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری، شرایط انتخاب‌شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است. وجود چهار شرط (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۲) برای صدور اعلامیه نامزدی ضروری است: ۱- حداقل سن ۲۳ سال تمام ۲- تابعیت فرانسوی بر پایه این قاعده هر شهروند فرانسوی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد اعم از اصلی، اکتسابی و تبعی صلاحیت نامزدی را دارد ۳- برخورداری از حق رأی در زمان انتخابات لذا اشخاصی که در زمان انتخابات به علت محکومیت‌های قضایی و یا محجوریت از حق رأی محروم هستند و نام آنها در فهرست انتخاباتی رای‌دهندگان درج نشده است صلاحیت نامزدی ندارند ۴- دریافت معرفی‌نامه از حداقل ۵۰۰ شهروند فرانسوی که واجد وضعیت نمایندگی منتخب باشند (Lavroff, ۱۹۹۷, p. ۳۷۴).

در رابطه با شرایط سنی داوطلبان در انتخابات مختلف باید توجه داشت که همسانی این شرط در انواع انتخابات منطقی نبوده و برخی از انتخابات به دلیل لزوم بهره‌مندی از افراد

باتجربه ممکن است اقتضای تعیین سن بالاتری برای داوطلبان داشته باشد که این امر خود در راستای عقلانی بودن شرایط ارزیابی می‌گردد.

۳-۱-۳. آلمان

در انتخابات مجلس آلمان، علاوه بر شرایط پیش‌گفته، نقش احزاب پررنگ است. کاندیداها ممکن است به‌وسیله احزاب سیاسی و افرادی که حق شرکت در انتخابات را دارند معرفی شوند. افرادی که عضو حزب نیستند می‌توانند تنها برای انتخابات در یک حوزه انتخابیه کاندید شوند، به‌عبارت‌دیگر آنها نمی‌توانند در فهرست ناحیه‌ها یا سرزمین‌ها^۱ قرار بگیرند. تنها احزاب از چنین حقی برخوردارند، در عمل تنها احزاب هستند که کاندیداها را در انتخابات فدرال و ایالتی معرفی می‌کنند.

نامزدهایی از حوزه انتخابیه که عضو حزب نیستند باید از حمایت حداقل ۲۰۰ نفر که حق شرکت در انتخابات در آن حوزه انتخابیه را دارند برخوردار باشند و این افراد باید کاندیداتوری نامزدها را امضا نمایند. این امر در خصوص احزابی که در پارلمان نماینده ندارند نیز صدق می‌کند. به منظور پذیرش فهرست سرزمین‌ها این احزاب باید از سوی بیش از ۲۰۰۰ نفر افراد واجد شرایط شرکت در انتخابات در ایالت متبوع تایید شوند. در نهایت با ملاحظه شرایط پیش‌گفته در این کشورها روشن گردید که شرایط تا حد زیادی کمی بوده و از به‌کارگیری شرایط قابل تفسیر و مبهم تا حدی پرهیز شده بود که این امر دو اصل عقلانی و شفاف‌بودن شرایط تعیینی برای داوطلبان را تأمین می‌کند.

۳-۱-۴. بررسی موردی سایر کشورها

در انتخابات مجلس، کشورهایمانند، استرالیا، کانادا، فنلاند و زلاندنو، سن انتخاب‌کنندگی با انتخاب‌شوندگی یکی است؛ مثلاً با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی سوئیس که مقرر می‌دارد: «هر فرد سوئسی و لائیک و دارای حق رأی حائز شرایط لازم برای انتخاب شدن به‌عنوان شورای ملی است»؛^۲ چون سن رأی دهی در آنجا ۱۸ سال است (اصل ۷۴ قانون اساسی)، پس سن داوطلبی برای ورود به مجلس نیز ۱۸ سال می‌باشد. با

^۱. Land

^۲. Swiss Federal Constitution

این حال در کشورهای دیگر داوطلبی بیشتر از سن رأی دهی است؛ به خصوص در کشورهایی که دارای دو مجلس هستند، سن ورود به مجلس دوم بیشتر از سن ورود به مجلس اول می‌باشد.^۱

تابعیت که در همه کشورها شرط ورود به مجلس است؛ هر چند در این مورد برخی کشورها مثل آمریکا فرد با داشتن تابعیت اکتسابی برای مجلس نمایندگان ۷ سال و برای مجلس سنا ۹ سال پس از کسب تابعیت حق داوطلبی دارد ولی به‌رحال هیچ کشوری حق انتخاب در پارلمان را به خارجی‌ان نمی‌دهد علاوه بر این، برخی کشورها برخورداری از اقامت را نیز شرط کرده‌اند.

در خصوص تابعیت، ونزوئلا، مصر و اروگوئه پس از گذشت ۵ سال از اکتساب تابعیت، سنگال و نیجریه با گذشت ۱۰ سال امکان کاندیداتوری وجود دارد. همچنین در انگلستان، علاوه بر تابعین انگلستان، تابعین ایرلندی یا سایر کشورهای مشترک المنافع با جمع شروط دیگر می‌توانند کاندیدا شوند. برخی کشورها، صرف اقامت در کشورها را کافی ندانسته‌اند؛ ن‌ظیر نروژ، مصر، مجارستان، لبنان، کامرون، لیتوانی، کره جنوبی، کنیا، کلمبیا، کامبوج و رومانی، سوئیس، ژاپن، تایلند، بلژیک، بلغارستان، اسپانیا، استرالیا. برخی کشورها، اقامت مستخدمین دولت در پستهای مختلف در خارج از کشور را در حکم اقامت در کشور تلقی نموده‌اند مانند دانمارک. تعدادی از کشورها اقامت در کشور در مدت زمان مشخص و خاصی قبل از انتخابات را مقرر داشته‌اند، نظیر سنگاپور که ۱۰ سال است. همچنین تعدادی از کشورها اقامت در حوزه انتخابیه در مدت زمانی قبل از انتخابات را مقرر داشته‌اند؛ نظیر ونزوئلا که ۴ سال، مکزیک و کانادا ۶ ماه، شیلی و آلبانی ۲ سال، اوکراین و ایسلند ۵ سال، آمریکا ۷ سال و آلمان یک سال (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۶).

قضات، کارمندان دولت افراد و افسران نیروهای مسلح، اعضای هیئت‌مدیره صنایع ملی شده و مدیران بانک از جمله کسانی هستند که در انگلیس از نامزدی مجلس محروم‌ند. در بلغارستان کسانی که سابقه محکومیت زندان دارند، از نمایندگی محرومند. در استرالیا فرانسه و انگلیس جرایمی مانند فساد در انتخابات و ورشکستگی به تقصیر مانع

^۱. Constitution of Italy & Constitution of the United States

کاندیداتوری مجلس می‌گردد و کسانی که در حال تحمل حکم زندان بیش از یک سال هستند در انگلیس حق نامزدی ندارد محکومین کیفری در ایتالیا معتادین در ترکیه گیرندگان رشوه در ژاپن و ورشکستگان به تقصیر در سوئیس نیز از کاندیداتوری محرومند. بسیاری از کشورهای دنیا، یکی از شرایط انتخاب‌شوندگان را پرداخت ودیعه توسط آنها دانسته‌اند. ایرلند ۱۰۰ پوند با ۳۰٪ آرا، استرالیا ۳۵۰ دلار با ۴۰٪ آرا، انگلستان ۵۰۰ پوند، پاکستان ۱۰۰۰ روپیه با ۱۲٪ آرا، ژاپن ۲۰۰ ین با ۲۰٪ آرا، سنگال با ۳۰۰ هزار فرانک با ۱۵٪ آرا، هند، هلند، مصر، کامرون، کره جنوبی، کنیا، غنا، ترکیه، تایلند، پاراگوئه، بنگلادش، استونی، اتریش و آفریقای جنوبی، از جمله کشورهایی هستند که ودیعه را شرط دانسته‌اند (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۸).

در حسن شهرت، آلمان حمایت ۲۰۰ نفر برای کاندیدای مستقل و ۲۰۰۰ نفر برای لیست حزبی، آلبانی به تناسب جمعیت حوزه انتخابیه از ۵۰ رای دهنده تا ۳۰۰۰ نفر، ایتالیا ۵۰۰ نفر برای کاندیدای تک حوزه‌ای و ۱۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر برای لیست حزبی، اتریش و الجزایر تاییدیه ۱۵۰ نفر تا ۲۰۰ نفر، رومانی حمایت ۵٪ از تعداد کل واجدین شرایط حوزه انتخابیه، سوئیس به تناسب جمعیت کانتونها حمایت ۱۰۰ تا ۲۰۰ و ۴۰۰ نفر، سوئد ۱۵۰۰ نفر برای لیست حزب، کانادا و فنلاند ۱۰۰ نفر (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۸).

با بررسی شرایط مندرج در قوانین اساسی و انتخابات کشورهای مختلف جهان، مشخص شد که نظام حقوقی این کشورها تا چه میزان به بایسته شفافیت و عقلانی بودن شرایط انتخاب‌شوندگان توجه کرده است. در برخی کشورها، شرایط به طور دقیق و واضح بیان شده است به صورتی که هیچ‌گونه ابهامی در آنها راه ندارد اما در بعضی دیگر هر چند شرایط بیان شده اما حدود و مفهوم آن، وابسته به متغیرهای مختلفی است.

بررسی تک‌تک شرایط در هر نظام حقوقی مجال مفصلی می‌طلبد که در این نوشتار نمی‌گنجد، آنچه مدنظر بود ارائه تصویری از نحوه مواجهه نظام‌های حقوقی در تعیین شرایط است که تلاش کردند عنصر شفافیت و عقلانی بودن را از رهگذر دوری از ابهام و تفسیر بردار بودن شرایط محقق کنند، این که تا چه حد در این زمینه موفق بوده‌اند نیز بیش از آن چه در لابه‌لای سطور فوق بیان شد، مجال دیگری می‌طلبد اما تا همین میزان

نیز می‌تواند تا حدودی راهگشای چالش‌ها و مشکلات پیش روی قانون‌گذاران در تعیین شرایط داوطلبان باشد.

۴-۱. اصل متناسب بودن شرایط با نوع انتخابات

یکی از شرایط مهمی که در همین پژوهش بررسی شد، اصل عقلانی بودن (معقولیت) شرایط برای بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی است. به نظر می‌آید تناسب شرایط در رابطه با هر انتخابات نیز به نوعی برآمده از معقولیتی کلی است که ناشی از همین اصل است. تناسب^۱ اساساً وجود نوعی نظم و توافق و هماهنگی میان چند چیز است. در این رابطه نیز هر انتخابات نیازمند بایسته‌ها و شرایط مختص به خود است و هر قانون‌گذار شرایطی را برای نامزد آن انتخابات وضع می‌کند که دارای سنخیت، هماهنگی و مناسبت با آن جایگاه است.

در هر کشوری، نظام سیاسی آن با برگزاری انتخابات، کارگزارانی را انتخاب می‌کند و هر انتخابات دارای شرایط، دستورالعمل و ضوابط مشخص و متفاوتی از دیگر انتخابات است. البته در برخی از کشورها این تفاوت‌ها ممکن است زیاد عمیق نباشد ولی قطعاً از نظر وجودی، غیرقابل انکار هستند. در ادامه به بررسی چند نظام حقوقی با نگاهی دقیق به تناسب شرایطشان با نوع انتخابات می‌پردازیم:

۴-۱-۱. ایالات متحده آمریکا

آمریکا دارای نظامی سیاسی دو مجلس و البته شکلی ریاستی است که انتخابات ریاست جمهوری آن نیز جداگانه برگزار می‌شود. در رابطه با مجلس سنای آمریکا، در قانون اساسی این کشور، اصل اول بخش سوم و بند اول آن گفته شده: مجلس سنای ایالات متحده مرکب از دو سناتور از هر ایالت [که توسط مجلس قانون‌گذار آن ایالت انتخاب می‌شوند] به مدت شش سال است؛ همچنین در بند سوم همین بخش نیز شرایط نامزد

^۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص اصل تناسب و معانی و کاربرد های آن در حوزه حقوق بشر مراجعه کنید به: حاجی ملا، هیوا، محمدی، عقیل. (۱۴۰۰). «نسبت‌سنجی اصل ضرورت و اصل تناسب در قلمرو تحدید و تعلیق حق‌های بشری». مطالعات حقوقی، ۱۳(۱)، ۲۹-۵۴. صص ۳۸-۳۶.

سناتورهای در سنای آمریکا را حداقل داشتن سی سال و نه سال حضور به‌عنوان تبعه در آمریکا و همچنین مقیم ایالتی که نامزد آن شده می‌داند. همچنین مطابق قانونی که مجالس ایالتی تعیین می‌کنند نیز برای کاندید شدن در سنا، نامزدها به تعدادی امضا از انتخاب‌کنندگان برای احراز صلاحیت خود نیاز خواهند داشت. از طرفی این نکته نیز قابل توجه است که در قانون اساسی این کشور صراحتاً مسئول رسیدگی به صلاحیت نمایندگان و چگونگی برگزاری انتخابات هر کدام از مجلسین توسط همان مجلس معین می‌شود.

در طرف دیگر ماجرا انتخابات مجلس نمایندگان و شرایط کاندیداتوری تفاوت‌هایی دارد. در اصل اول بخش دوم و بند دوم قانون اساسی این کشور در این رابطه آمده است: «هیچ کس تا زمانی که به سن بیست و پنج سالگی نرسد و هفت سال تبعه ایالات متحده نباشد و در زمان انتخاب، مقیم ایالتی که از آنجا انتخاب می‌گردد نباشد، نمی‌تواند نماینده (مجلس) شود.» انتخابات ریاست جمهوری در تفاوتی با دو انتخابات دیگر حداقل ۳۵ سال سن، تابعیت یا شهروندی بومی آمریکا و حداقل ۱۴ سال اقامت در این کشور را از شرایط انتخاب شدن در این انتخابات می‌داند. این سلسله‌مراتب سنی نشان‌دهنده این است که هر مقام انتخاباتی نیازمند سطح خاصی از تجربه و مسئولیت‌پذیری است.

۴-۲-۱. فرانسه

نظام سیاسی این کشور یک نظام چندحزبی است که در سال‌های اخیر نوعی نظام دو حزبی را تداعی می‌کند. این کشور دارای دو مجلس مجمع ملی و سنا است و در کنار آن انتخابات ریاست جمهوری نیز هر ۵ سال یک‌بار برگزار می‌شود. وجود شورای قانون اساسی یا شورای نگهبان قانون اساسی از مشابهت‌های شکلی این کشور با جمهوری اسلامی ایران است. وظایف این شورا نظارت بر حسن اجرای انتخابات و تأیید عدم مخالفت قوانین تصویبی در مجمع ملی و سنا با قانون اساسی است. یکی از شرایط متقاضیان برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه این است که این افراد ابتدا باید ۵۰۰ مقام منتخب را در مورد شایستگی خود برای بالاترین مقام متقاعد کنند و از آن‌ها بخواهند که درخواست نامزدی او را امضا کنند. این سیستم تضمین می‌کند که همه نامزدها، چه

حزبی و چه مستقل، فرصت برابر برای رقابت داشته باشند. این رویه البته با معیار عدالت انتخاباتی نیز منطبق است، زیرا امکان ورود افراد خارج از احزاب سنتی را نیز فراهم کرده و از انحصار احزاب در فرایند انتخابات جلوگیری می‌کند.

باتوجه به دومرحله‌ای بودن انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، هر فردی که بتواند این مهم را عملی کند می‌تواند در مرحله اول حضور داشته باشد. این امضاها «پیشنهاد» نامیده می‌شوند و به منظور حمایت، ضمانت یا اسپانسر می‌هستند.^۱ هر داوطلب باید امضای مقامات منتخب دست کم ۳۰ شهرستان از مجموع ۱۰۱ شهرستان کشور را جمع‌آوری کند، اما نمی‌تواند از یک شهرستان بیش از ۵۰ امضا داشته باشد؛ البته که تابعیت فرانسوی و حداقل سن ۱۸ سال از شرایط اولیه برای ثبت نام است. در مجموع می‌توان گفت به نوعی یک شورای ۵۰۰ نفره عقلا و بزرگان لشکری و کشوری این کشور، کاندیداتوری یک داوطلب را برای رقابت ریاست جمهوری تأیید می‌کنند.^۲

از طرف دیگر برای انتخابات مجلس ملی شرایط به گونه‌ای دیگر است. شرایط ضروری برای شرکت در انتخابات مجمع ملی فرانسه داشتن حداقل ۱۸ سال سن، به پایان رساندن روز ملی مدنی (چیزی جایگزین سربازی)، تحت ولایت یا سرپرستی دیگری نباشد و همچنین دارای تابعیت این کشور و از حقوق مدنی فرانسه به هر دلیلی محروم نشده باشد؛ ورشکستگی مالی نیز از دلایل رد صلاحیت در انتخابات است. پیش از ثبت نام مبلغ ۱۰۰۰۰ فرانک به عنوان ضمانت توسط نامزد در اختیار دولت قرار می‌گیرد. بررسی شرایط ذکر شده توسط شورای قانون اساسی این کشور انجام می‌شود.^۳

^۱. چرا برای نامزدی ریاست جمهوری فرانسه جمع‌آوری ۵۰۰ امضا لازم است؟ برای مطالعه بیشتر می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

<https://B2n.ir/b06476>

^۲. سازوکار انتخابات ریاست جمهوری فرانسه چگونه است؟ برای مطالعه می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

<https://B2n.ir/g08973>

^۳. Constitutions françaises

تفاوت‌های موجود در دو انتخابات دلالت دارد که عنصر تناسبی ضرورتی است که نمی‌توان در تعیین شرایط داوطلبان از آن غافل شد در غیر این صورت کارکرد نظام سیاسی را مخدوش و حتی در مواردی ممکن است مختل نماید.

۴-۳-۱. ژاپن

این کشور دارای نظام سیاسی دو مجلسی یعنی مجلس نمایندگان و مجلس مشاوران و همچنین مقام امپراتوری در آن تشریفاتی است. نخست‌وزیر هم به واسطه هر دو مجلس انتخاب می‌شود. این کشور از کشورهایی است که شرایط نامزدها و حضور در انتخابات سیاسی در آن بسیار آسان است. در این رابطه حداقل سن برای شرکت در انتخابات برای مجلس نمایندگان ۲۵ سال و مجلس مشاوران ۳۰ سال است.^۱ البته نامزد باید تابعیت ژاپنی داشته باشد و هنگام نام‌نویسی هم در حال گذراندن محکومیت خود نباشد.

طبق اصل ۵۵ قانون اساسی این کشور حل و فصل اختلافات در مورد صلاحیت اعضای هر مجلس به عهده همان مجلس خواهد بود؛^۲ در هر صورت رد سمت نمایندگی هر یک از نمایندگان باید به تصویب حداقل دو سوم نمایندگان حاضر در جلسه برسد. طبق قانون هر شهروندی در صورت داشتن اراده می‌تواند در انتخابات به شکل مستقل نامزد شود.

در قانون اساسی ژاپن آزادی فعالیت سیاسی برای مردم تضمین شده و به همین دلیل نیروهای امنیتی و انتظامی نمی‌توانند در تشخیص شایستگی افراد برای شرکت در انتخابات دخالتی داشته باشند (Christensen RV, ۱۹۹۶, p. ۵۲).

به نظر می‌آید در تمامی نظام‌های انتخاباتی کارآمد در دنیا که تعدادی از آن‌ها از جمله آمریکا، فرانسه و ژاپن بررسی شد، شرایط احراز صلاحیت برای هر انتخابات متفاوت است و با بالاتر رفتن اهمیت آن مقام سیاسی، انتخاب آن‌ها شرایط سنی، مالی و حقوقی سنگین‌تر و سخت‌گیرانه‌تری را طلب می‌کند. حتی در نظام‌های سیاسی پارلمانی و با وجود تفکیک قوای ناقص هم میان مجالس عوام و سنای علیا تفاوت‌هایی کم و زیاد برای تعیین

^۱ . برای مطالعه قانون اساسی ژاپن می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132276>

^۲ . Constitution of Japan

شرایط وجود دارد. مثلاً در ژاپن، شرایط سنی برای ورود به مجلس مشاوران متفاوت از مجلس نمایندگان است و برای ورود به آن سخت‌گیری‌های بیشتری انجام می‌شود چرا که بر خلاف مجلس نمایندگان، نخست‌وزیر نمی‌تواند مجلس مشاوران را منحل کند و قانون اساسی شأنیت بالایی را به آن اعطا کرده است.^۱

در تمامی موارد بررسی شده، نظام حزبی قدرتمندی به‌عنوان پشتوانه انتخابات آن کشور وجود دارد که عملاً صحنه انتخاباتی را قبل از ورود به آن با پالایشی عمیق مواجه می‌سازد. در مواردی هم بیعانه‌های مالی سنگین عاملی بر عدم ورود هر داوطلبی به این عرصه است. نکته مهم در رابطه با شرایط احراز صلاحیت این است که تعیین این شرایط مبتنی بر نظام‌های مختلف سیاسی یعنی شکل ریاستی، پارلمانی یا نیمه ریاستی می‌تواند متفاوت باشد.

شرایط خاص مرتبط با نوع انتخابات	شرایط عمومی احراز صلاحیت	کشور	نظام حکومتی
برای ریاست جمهوری، کاندیدها باید از حمایت حزبی برخوردار باشند. شرایط برای سناتورها: حداقل ۳۰ سال سن و ۹ سال تابعیت.	تابعیت متولد بومی آمریکا، حداقل ۳۵ سال سن، اقامت حداقل ۱۴ سال در کشور	ایالات متحده آمریکا	ریاستی
نامزدهای مستقل باید تأییدیه حداقل ۲۰۰ رأی‌دهنده از حوزه انتخابیه خود را ارائه کنند.	حداقل ۱۸ سال سن، تابعیت آلمانی، عدم سوءپیشینه،	آلمان	پارلمانی

۱. . برای مطالعه قوانین انتخاباتی ژاپن، می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

<https://vista.ir/m/a/iy11h>

	معرفی نامه حزبی برای کاندیداهای انتخاباتی		
نامزدهای ریاست جمهوری باید ۵۰۰ امضا از مقامات منتخب در شهرستان‌های مختلف جمع‌آوری کنند.	حداقل ۲۳ سال سن برای ریاست جمهوری، حداقل ۱۸ سال سن برای مجلس، تابعیت فرانسوی، تکمیل روز ملی مدنی (به جای خدمت سربازی)	فرانسه	نیمه ریاستی

این مقایسه نشان می‌دهد که در نظام‌های ریاستی، فرایند احراز صلاحیت شفاف‌تر اما سخت‌گیرانه‌تر است، در حالی که در نظام‌های پارلمانی، نقش احزاب بسیار پررنگ‌تر است. نظام‌های نیمه ریاستی مانند فرانسه ترکیبی از هر دو را دارند. بنابراین، اصل قانونی بودن شرایط نامزدی علاوه بر رعایت استانداردهای حقوقی، باید متناسب با ساختار حکومتی هر کشور تنظیم شود. از طرف دیگر در نظام‌های پارلمانی، نظارت احزاب بر کاندیداها بیشتر است، اما در نظام‌های ریاستی، شرایط سخت‌گیرانه‌تر از سوی قانون تعیین می‌شود.

۲- بایسته‌های حاکم بر فرایند احراز شرایط داوطلبان انتخابات

پس از تعیین اصولی شرایط ورود به انتخابات، فرایند احراز شرایط و صلاحیت داوطلبان انتخابات نیز باید از قواعد و ضوابط عامی پیروی نماید که در ادامه بیان می‌گردد.

۱-۲. قانون مداری

همان‌طور که در بخش مربوط به تعیین شرایط تبیین گردید، اصل قانونی بودن و حاکمیت قانون اقتضا دارد همان‌گونه که شرایط داوطلبان انتخاباتی باید به موجب قانون تعیین شود، فرایند احراز صلاحیت افراد نیز باید قانونی باشد و در تمام مراحل آن قانون حاکم باشد. مراد از حاکمیت قانون اعم از آن است که یا فرایند، مراحل و نحوه احراز شرایط مزبور مستقیماً به موجب قانون معین شود و یا ریشه در قانون داشته باشد به نحوی که اجازه تعیین

آن از سوی قانون‌گذار و با رعایت ضوابط و چارچوب خاص به مرجع دارای صلاحیت سپرده شود.

بنابر قسم دوم اصل حاکمیت قانون اقتضا ندارد که کلیه فرایندهای اجرایی به موجب قانون تعیین شود، چنانکه در سایر کشورها و نظام‌های انتخاباتی نیز چنین امری وجود ندارد و منطقی نیست کلیه جزئیات امور اجرایی فرایند احراز شرایط و نیز سایر مراحل انتخابات عیناً از سوی قانون‌گذار تعیین شود؛ اما لازم است این امور به موجب قانون به نهاد صاحب صلاحیت سپرده شود و به عبارتی ریشه در قانون داشته باشد و نیز امکان بازنگری در آن‌ها نیز فراهم گردد.

همچنین نهادهای ناظر نقش مهمی در تضمین قانون‌مداری با ضمانت اجرای تأیید صحت انتخابات دارا هستند (تقی‌زاده، کریم‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱).

۲-۲. شفافیت

یکی از ارکان بسیار مهم در هر نظام حقوقی شفافیت است که دارای ابعاد مختلفی است. از شفافیت در تدوین قوانین و مقررات گرفته تا فرایند اجرا و نیز دادرسی و نظارت که همه ذیل عنوان شفافیت قابل بحث و بررسی است. برای مثال در زمینه تدوین قوانین سه رویکرد ساده‌نویسی، رویکرد فنی‌نویسی و رویکرد ترکیبی وجود دارد. رویکرد ساده‌نویسی از سوی اندیشمندانی چون مونتنسکیو مطرح گردیده است (مونتنسکیو، ۱۳۴۳: ۸۷۲). وی معتقد است قانون باید به صورتی نوشته شود که برای عموم مردم قابل فهم باشد و به طور روشن و صریح مقصود قانون‌گذار را برساند تا مجریان در هنگام اجرا دچار ابهام و تردید نگردند.

شفافیت در زمینه اجرا و بعد نظارت بر اجرا نیز از مهم‌ترین شاخص‌ها و از لوازم اصل حاکمیت قانون و حکمرانی مطلوب است. موضوع انتخابات به‌عنوان یکی از بخش‌های حقوق اساسی از رعایت شفافیت بی‌نیاز نیست.

در واقع درست است که شفافیت در انتخابات اهدافی مشابه شفافیت در سایر اعمال اداری را دنبال می‌کند مانند ارتقای پاسخگویی، توانمندسازی شهروندان، محافظت از شهروندان در برابر اقدامات خودسرانه دولت و افشای اشتباه یا تقلب (Fenster, ۲۰۰۵: ۸۸۵). همچنین می‌تواند کارایی در اداره انتخابات را افزایش دهد؛ اما شفافیت در انتخابات یک

کارکرد مهم و اساسی دیگر را ایفا می‌کند که آن را از شفافیت در سایر حوزه‌ها متمایز می‌نماید و آن تضمین اعتماد عمومی به نتایج انتخابات است. برای اینکه انتخابات به هدف مورد نظر خود یعنی انتقال مسالمت‌آمیز قدرت دست یابد، مردم باید باور کنند که نتایج حاصله نشان‌دهنده اراده واقعی ایشان است. بدون این باور، دولت قانونی نمی‌تواند کار کند و سایر اشکال شفافیت در حکومت بیهوده خواهد بود. بنابراین شفافیت در انتخابات پیش‌شرط همه اشکال دیگر شفافیت است (Green, ۲۰۱۴, p. ۷۸۳).

البته باید توجه داد، شفافیت در انتخابات شامل تمام موضوعات انتخابات نمی‌شود و نباید اصل محرمانه بودن رأی افراد و حریم خصوصی رأی‌دهندگان را نقض نماید. در واقع شفافیت نیز خود حدود و ضوابطی دارد چراکه افشای عمومی برگه‌های رأی‌گیری ممکن است محرمانگی رأی افراد را به خطر بیندازد و انتخاب‌های انتخاباتی آنها را تغییر دهد. چنین نقض حریم خصوصی می‌تواند طیف وسیعی از فرصت‌ها را برای تقلب در انتخابات وارد سازد، رأی‌دهندگان حاشیه‌ای و مردد را از مشارکت در انتخابات منصرف کند و به طور بالقوه نتایج انتخابات سالم را مخدوش نماید (Adler & Hall, ۲۰۱۳, p. ۱۴۶). در سال ۲۰۰۸، شهرستان هامبولت^۱ کالیفرنیا، در آزمایشی نسخه‌های اسکن شده از برگه‌های رأی‌دهی از انتخابات آن سال را به صورت آنلاین منتشر کرد تا همه شهروندان بتوانند در همه‌جا نتایج انتخابات را مورد حساسی، نظارت و بازشماری قرار دهند که این اقدام آزمایشی موفقیت‌آمیز ارزیابی نشد و چالش‌های فوق را به دنبال داشته است (Adler & Hall, ۲۰۱۳, p. ۱۴۷). در سراسر آمریکا، کمیسیون‌های انتخاباتی ایالتی موظفند دلایل رد صلاحیت داوطلبان را به صورت رسمی و مستند اعلام کنند. این امر به رأی‌دهندگان و نامزدها اجازه می‌دهد تا از دلایل رد صلاحیت آگاه شوند و در صورت لزوم به مراجع قانونی اعتراض کنند. این رویه مستقیماً با معیار شفافیت در فرایند احراز صلاحیت تطابق دارد، زیرا اطلاعات مربوط به صلاحیت داوطلبان به طور علنی و بدون ابهام در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

^۱. Humboldt County

در این معنا و به‌طور کلی می‌توان دو شکل از میزان شفافیت را در احراز شرایط یعنی کاملاً شفاف مانند نظام انتخاباتی آمریکا و مدل نیمه شفاف یا محدود شده مانند سیستم انتخاباتی ایران که دلایل رد صلاحیت تنها به خود نامزد اطلاع داده می‌شود و نظارت نیز تنها در نهادهای داخلی انجام می‌گیرد، از یکدیگر جدا کرد. مدل شفافیت کامل باعث افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد می‌شود، اما می‌تواند زمینه تخریب سیاسی و طولانی‌شدن روند انتخابات را فراهم کند، در حالی که مدل نیمه شفاف با حفظ محرمانگی اطلاعات از آسیب‌های سیاسی جلوگیری می‌کند اما ممکن است زمینه سوءاستفاده قدرت‌های حاکم را افزایش داده و اعتماد عمومی را کاهش دهد (باقری خوزانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۳۵-۲۵۳۳).

باین حال می‌توان از یک رویکرد ترکیبی سخن گفت، که نقص هر کدام از مدل‌ها را به حداقل رسانده و نکات مثبت آن‌ها را جمع کند. این رویکرد ترکیبی می‌تواند این‌گونه باشد که در ابتدا دلایل رد صلاحیت فقط به داوطلب اطلاع داده شود و در صورت اعتراض، اطلاعات به نهادهای قضایی ارائه گردد، اما تنها در موارد ضروری برای عموم منتشر شود. همچنین، در مواردی که رد صلاحیت به دلایل امنیتی انجام شده، اطلاعات باید فقط در اختیار مراجع قانونی مستقل قرار گیرد. این روش هم شفافیت را تضمین می‌کند، هم از خدشه‌دار شدن اعتبار داوطلبان و سوءاستفاده‌های سیاسی جلوگیری خواهد کرد. بنابراین، انتخابات به‌خصوص ضوابط مرتبط با فرایند احراز شرایط داوطلبان باید روشن و شفاف باشد. این به آن معناست که هم قوانین و مقررات مربوط به فرایند احراز صلاحیت‌ها روشن، صریح و خالی از ابهام باشد تا مجریان دچار ابهام و عملکرد نامنظم نشوند و هم نفس فرایند مزبور مشخص و قابل اطلاع باشد تا مردم و به‌خصوص ذی‌نفعان یا همان داوطلبان امکان نظارت بر این روند را داشته باشند.

در این رابطه باید گفت اصل شفافیت و عقلانی بودن شرایط و فرایند احراز صلاحیت نیز در سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴ مورد توجه قرار گرفته است. شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی و اعمال نظارت دقیق بر آن (بند ۴) و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت شفافیت و سلامت انتخابات، از جمله در اخذ و شمارش آرا

(بند ۱۲)، به تحقق این اصل کمک می‌کنند. شفافیت در شرایط داوطلبان و فرایند احراز صلاحیت، علاوه بر افزایش اعتماد عمومی، از بروز تخلفات و سوءاستفاده‌ها جلوگیری کرده و زمینه را برای انتخاباتی سالم و منصفانه فراهم می‌سازد.

۳-۲. الزام به رسیدگی

هر دولت یا حکومتی موظف است در فرایند رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخاباتی، صلاحیت تمام افراد ثبت نامی را بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت، تعلقات سیاسی و... بررسی کند. در این معنا نژاد، قومیت، تعلقات سیاسی و غیر آن مفاهیمی پسینی هستند که بعد از ورود افراد به فرایند احراز مورد بررسی قرار می‌گیرد نه آن که عاملی باشد بر ممانعت افراد بر ثبت نام در ابتدای فرایند انتخاباتی. در معنای دیگری نیز افراد باید صلاحیت آنان احراز شود نه عدم صلاحیت آن‌ها. در ایران نیز در این موارد اصل بر برائت نیست و اساساً این اصل در موارد انتخاباتی و رسیدن به مناصب سیاسی وارد نیست، به این معنا که افراد دارای وضعیتی بی طرف و خنثی بررسی شده و نهایتاً صلاحیت و در معنای بهتر امکان حضور در انتخابات را پیدا کنند (رضائی زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۳۵). البته که پس از فرایند بررسی صلاحیت‌ها و در صورت عدم احراز صلاحیت نامزد انتخاباتی، امکان رسیدگی به شکایت یا اعتراض کاندیدا هم از اصول مهمی است که ذیل همین اصل کلی تر می‌آید.^۱

این اصل البته در دیگر دولت‌های جهان به مثابه یک اصل غیر قابل خدشه شناخته می‌شود و بدین سبب است که از اصول اساسی دموکراسی مدرن، دارا بودن حق «انتخاب شدن» برای شهروندان آن دولت-ملت می‌باشد؛ باید این را در نظر گرفت که اصل بر آزادی انتخاب شدن است و شرایط، قیود و محدودیت‌ها تنها استثنا تلقی می‌شوند و جابه‌جا کردن قیود با اصل اساسی انتخاب شدن به معنای تهی کردن دموکراسی از معنای آن است (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۷۳).

^۱. African Court on Human and Peoples' Rights (ACTHPR)

در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری فرانسه نوعی انتخابات دومرحله‌ای حاکم است به این معنا که هر شهروندی که بتواند شروط کمی موجود برای اعلام کاندیداتوری اعم از سن، تابعیت و ارائه تعدادی مشخص معرفی‌نامه از مقامات شناخته شده را احراز کند، امکان حضور در مرحله اول انتخاباتی را دارد و از طرف دیگر شورای قانون اساسی این کشور به واسطه تصریح قانون اساسی کشور فرانسه موظف به بررسی احراز شرایط کمی اعلام شده در نظام انتخاباتی فرانسه می‌باشد. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در چنین نظام انتخاباتی اصل بر «انتخاب شهروندان» و نه شرایط کیفی پیشینی است (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۵۳).

اصل الزام به رسیدگی همچنین خود می‌تواند بخشی از اصل قانونی بودن باشد چرا که در قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک چنان‌که گفته شد اصل بر آزادی استفاده از حق «انتخاب شدن» است. به‌عنوان مثال در کشور تانزانیا به‌عنوان کشوری تازه ملحق شده به جرگه کشورهای دموکراتیک، در سال ۲۰۱۱ دعوایی انتخاباتی توسط دو موسسه حقوقی این کشور علیه دولت تانزانیا مبنی بر عدم رسیدگی مراجع ذی‌صلاح به نمایندگانی که از طرف حزبی کاندید نشده‌اند یا به اصطلاح نامزد مستقل انتخاباتی هستند، مطرح شد. طرح این دعوا در دادگاه حقوق بشر و مردم آفریقا^۱ نهایتاً منجر به رأی این دادگاه به نقض مواد ۱۳ پروتکل ۱ و ۲۷ پروتکل ۲ و آزادی تشکل گردید. این بیانیه تأکید کرد که «حقوق تضمین شده طبق ماده ۱۳ در پروتکل ۱ منشور، حقوق فردی است و قرار نیست افراد فقط در ارتباط با دیگر گروه‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها مورد استفاده قرار گیرند.» و «استقلال نامزد انتخاباتی» ذیل آنچه محدودیت‌های کاندیداتوری در ماده ۲۷ پروتکل ۲ یعنی «نقض حقوق دیگران، امنیت جمعی، اخلاقیات و منافع مشترک» گفته شده، قرار نمی‌گیرد.^۲

۴-۲. عدم استفاده از طرق نامشروع

این اصل می‌تواند از جنبه‌های متعددی مورد بررسی قرار گیرد؛ این مسئله می‌تواند هم در حوزه استفاده ابزارهای نامشروع برای احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی مورد مذاقه قرار

^۱. Tanganyika Law Society et al. v. The United Republic of Tanzania

^۲. Watergate scandal

گیرد و هم چپستی مورد بررسی در این فرایند را. بدین معنی آنچه در فرایند احراز صلاحیت مورد بررسی قرار می‌گیرد می‌تواند میزانی برای تعیین مشروعیت یا عدم مشروعیت آن فرایند باشد به‌عنوان مثال تجسس یا تحقیق در حریم شخصی افراد از این موارد می‌تواند باشد. شنود، جاسوسی (بررسی ایمیل‌ها یا پیام‌رسان‌های مورد استفاده) و... می‌تواند از انواع ابزار یا طرق نامشروع مورد استفاده در فرایند احراز صلاحیت باشد.

اصل اساسی حفظ کرامت انسانی و حریم شخصی افراد از اصولی است که در هیچ وضعیتی قابل چشم‌پوشی یا مصلحت‌سنجی نیست و این نه فقط در اصول دولت‌های دموکراتیک بلکه از اصول ماهوی حقوق شهروندی است. استفاده از طرق نامشروع برای کسب اطلاعات و بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی می‌تواند این اصول را به‌طور جدی مورد خدشه قرار دهد (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۵).

یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین رویدادهای تاریخی که البته ارتباط مستقیم با مسئله احراز صلاحیت ندارد و بیشتر در حوزه اصول دموکراسی و رقابت سالم و آزاد در رقابت انتخاباتی مطرح است، رسوایی بزرگ «واترگیت»^۱ است در جایی که مأموران FBI با اطلاع قبلی رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون طی رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۹۷۲ و حتی بعد از آن تا سال ۱۹۷۴ اقدام به نصب دستگاه‌های شنود، جاسوسی و سرقت اسناد محرمانه از محل استقرار ستاد انتخاباتی حزب دموکرات در مجموعه واترگیت کردند.^۲

۲-۵. بی‌طرفی در رسیدگی

اساسی‌ترین عملکرد مشارکتی رأی‌دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است (Dowse & Hughes, ۱۹۸۶, p. ۲۹۳). بی‌طرفی، وصفی ذهنی و به معنای عدم تمایل مراجع قضایی به یک طرف دعوی است (خالقی، ۱۳۹۳:

^۱ برای مطالعه بیشتر می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

BBC ON THIS DAY ۱۹۷۳: Nixon takes rap for Watergate scandal.

<https://B2n.ir/r/۱۲۳۴۰>

^۲ برای مطالعه پرونده و رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

<https://B2n.ir/g63047>

۲۵) به عبارت دیگر بی طرفی به این معنا است که با استناد به دلایل غیرمرتبط، کسی از شمول یک قاعده حقوقی مستثنی نشود یا به دلایل غیرمرتبط، افراد غیرمشمول موضوع اجرای آن قاعده نگردند (سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۶۳).

برای رعایت و تضمین بی طرفی مرجع بررسی کننده شرایط داوطلبان انتخابات لازم است فرایندهای بررسی، قاعده مند باشند و قواعد حقوقی به صورت عینی و قابل ارزیابی تعیین شوند. مرجع نظارت نباید برایش مهم باشد که چه کسی در انتخابات پیروز می شود؛ به عبارت دیگر عملکرد نهاد ناظر نباید طوری باشد که دایره شمول اشخاص تعیین شده برای انتخابات را بر اساس نظر خودشان و به دور از معیار قانون، محدود کنند (قاسمی حامد و براری چناری، ۱۴۰۳: ۷۷-۷۸).

بی طرفی نهادی، به عنوان یک اصل نه فقط در نهادهای ناظر بر انتخابات بلکه به طور کلی در ساختار هر نهادی، مقدمات پیش برد عادلانه امور را فراهم می کند. به طور مثال در کشور بنین، متقاضی انتخابات که یک سیاستمدار است، قانون تازه اصلاح شده شورای عالی قضایی (HJC) را به چالش کشید و مدعی شد که این قانون حاوی مقرراتی است که بی طرفی قوه قضائیه را نقض می کند. دیوان با بررسی پرونده دریافت که رویه انتصاب و ترکیب هیئت عالی قضایی به نفع قوه مجریه منحرف است و بنابراین شرایط بی طرفی هیئت عالی قضایی برقرار نیست. نتیجه گیری شد که نقض ماده ۲۶ منشور آفریقا وجود دارد.^۱

بی طرفی و استقلال مراجع نظارتی و اجرایی نیز یکی از اصول بنیادین است که در سیاست های کلی انتخابات تجلی یافته است. ممنوعیت ورود نیروهای مسلح و دستگاه های دولتی در دسته بندی های سیاسی و جناحی و نیز ممنوعیت دخالت آنها در انتخابات و جانب داری از داوطلبان (بند ۱۶) و اجرای انتخابات توسط وزارت کشور و زیر نظر هیئت اجرایی مرکزی (بند ۱۷)، تضمین کننده استقلال و بی طرفی نهادهای

۱. برای مطالعه بیشتر می توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

انتخاباتی هستند. این امر اعتماد جامعه را به سلامت فرایند انتخابات افزایش داده و از نفوذ گرایش‌های سیاسی و جناحی در آن جلوگیری می‌نماید.

قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه نیز به این امر مهم کاملاً توجه نموده است و در ماده ۵۷ خود تصدی مقام وزارت و عضویت پارلمان را برای اعضای شورای قانون اساسی ممنوع اعلام داشته است. علاوه بر این قانون ۱۹۹۵ ممنوعیت جمع میان عضویت شورای قانون اساسی با هر شغل انتخابی دیگر را بیان می‌دارد، البته شورای مذکور نماینده را مخیر به انتخاب بین شغل قبلی و نمایندگی می‌کند. تمرکز قدرت فساد انگیز است، اگر اجازه دهیم اعضای نهاد ناظر چند شغله باشند باعث تمرکز می‌شویم، که این امر خالی از اشکال نمی‌تواند باشد. از طرف دیگر، شورای قانون اساسی، نهادی مستقل از دولت محسوب می‌شود و ترکیب اعضای آن به گونه‌ای طراحی شده که از نفوذ دولت و احزاب سیاسی مصون باشد. این سازوکار تضمین می‌کند که تصمیم‌گیری درباره احراز صلاحیت نامزدها بر اساس معیارهای حقوقی و نه فشارهای سیاسی صورت بگیرد.

در اندونزی، کمیسیون استانی انتخابات سوماترا شمالی (KPUD)، آژانس نظارت بر انتخابات شمال سوماترا (باواسلو)، نهادهای نظارتی مستقل، بی‌طرفی را یک گام استراتژیک برای افزایش اعتماد عمومی می‌دانند (Pardede & Kristian, ۲۰۲۱, p. ۱۵۵). نظارت بین‌المللی، به‌عنوان یک روش نظارتی به‌منظور حفظ سلامت انتخابات برای کشورهایی که درخواست آن را دارند، در نظر گرفته می‌شود.

۶-۲. استقلال نظر در رسیدگی

نظارت بر انتخابات عموماً در قوانین اساسی کشورهای جهان، مورد توجه قرار گرفته است و معمولاً سعی شده که مرجع ناظر در فرایند احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات، متشکل از افرادی باشد که در رسیدگی خود، از استقلال نظر برخوردار باشند و سایر نهادها، دخالتی در امر رسیدگی به فرایند، نداشته باشند. این موضوع به نحوی موجب حفظ جایگاه و شأن مرجع نظارت بوده و به سلامت انتخابات کمک شایانی می‌کند.

اصل نظارت در همه کشورها به‌نوعی اعمال می‌گردد؛ برای مثال در قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی، در آلمان و روسیه، دادگاه قانون اساسی، در آمریکا، مجلس

نمایندگان و در انگلستان، مجلس عوام، وظیفه نظارت بر انتخابات را برعهده دارند (اطاعت، ۱۳۸۳: ۲۹) و به‌نوعی وظیفه فرایند احراز صلاحیت نیز برعهده همین مراجع نظارت می‌باشد.

اساساً عدم استقلال نظر مراجع رسیدگی‌کننده به پرونده‌های داوطلبان و تطبیق آنها با شرایطی که در فصول گذشته تعیین شد، موجب خدشه‌دار شدن اصول و بایسته‌های متعددی در فرایند احراز شرایط می‌شود به طوری که دیگر نه بی‌طرفی مرجع ناظر حفظ خواهد شد و نه از سوی دیگر، محرمانگی و قانونی بودن آن در نظر گرفته می‌شود. به طور مثال در یک کشور چندحزبی یک نهاد ناظر تنها در صورتی اعتماد تمام احزاب را به دست خواهد آورد که استقلال آن از هر حزب و گروه و دولت وقت مبرهن و آشکار باشد. ساختار این مجموعه باید به گونه‌ای باشد که بتواند در برابر اعمال نفوذها از خود حمایت کند. در برخی از کشورها نظیر گینه‌نو و آفریقای جنوبی استقلال این مجموعه تضمین شده است. در دیگر کشورها این مسئله در قانون اساسی ذکر نگردیده، اما استقلال آن مورد ملاحظه و احترام قرار گرفته است.

نهادهایی که عهده‌دار این رسالت خطیر هستند باید مستقل بوده و جز در چارچوب قانون عمل نمایند، تا سلیقه‌ها نتواند جایگزین نظر مردم گردند. استقلال واقعی نهادهای مدیریت انتخابات (EMBs) و مأموریت‌های ناظر بین‌المللی (EOMs)، انتخابات عادلانه را قوت می‌بخشد و موجب تثبیت دموکراسی می‌گردد (van Aaken, ۲۰۰۹, p. ۲۹۶). کمیسیون ملی مستقل انتخابات (INEC) داور انتخاباتی است که مسئول برگزاری انتخابات عمومی در نیجریه و سایر فعالیت‌های انتخاباتی مرتبط از زمان احیای حکومت دموکراتیک در سال ۱۹۹۹ است. استقلال این نهاد اقتضا دارد که بر سیاستمداران و فعالیت‌های آنها در طول و بعد از انتخابات نظارت کند (Sule, et.al ۲۰۱۷, p. ۱۵).

۲-۷. حفظ حیثیت و محرمانگی

بررسی شرایط داوطلبان اقتضا دارد تا به اطلاعات، مشخصات شخصی، خانوادگی و شغلی شخص دسترسی پیدا شود و همین امر نیازمند حفظ اطلاعات و حیثیت اشخاص در نهاد بررسی‌کننده صلاحیت داوطلبان است. در قوانین بسیاری از کشورها، این موضوع نه

به‌عنوان یک بایسته در این امر، بلکه به‌عنوان یک اصل در قوانین اساسی، مورد پذیرش قرار گرفته تا حیثیت اشخاص حفظ گردیده و اطلاعات آنها از هرگونه تعرض مصون باشد. متولیان نظارت باید به اشخاص و احزاب اطمینان دهند که قوانین مربوط به انتخابات کاملاً مراعات شده است و با همگان به‌گونه‌ای برابر و به‌دوراز تبعیض برخورد می‌گردد. به‌طور مثال برگزاری انتخاباتی صادقانه و عادلانه و تضمین حقوق شرکت‌کنندگان از طریق حفظ اطلاعات محرمانه آنها، در فرایند انتخاباتی توسط ناحیه پاتی باواسلو در انتخابات هم‌زمان سال ۲۰۱۹، مورد توجه قرار گرفت.^۱ عدم توضیح جزئیات روند بررسی پرونده‌های انتخاباتی توسط قانون انتخابات، نمونه‌ای از حفظ حیثیت و محرمانگی در فرایند بررسی صلاحیت‌ها می‌باشد.^{۲۹}

حفظ حیثیت و محرمانگی اطلاعات داوطلبان نیز در سیاست‌های کلی انتخابات مورد تأکید قرار گرفته است. ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید و تطمیع در فعالیت‌ها و تبلیغات انتخاباتی (بند ۵) و ارتقاء سطح آگاهی، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در جهت قانون‌مداری، اخلاق انتخاباتی و مشارکت مسئولانه (بند ۸)، به حفظ کرامت انسانی داوطلبان و احترام به حقوق فردی آنها کمک می‌کنند. این اقدامات از سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و خدشه‌دار شدن حیثیت داوطلبان جلوگیری می‌نماید.

۸-۲. استفاده از ابزارهای به‌روز

علی‌رغم آن که کاربست ابزار و فناوری‌های جدید همیشه در ابتدا با چالش‌هایی روبه‌رو بوده اما استفاده از ابزارهای به‌روز نقش مهمی در افزایش کیفیت انتخابات، سرعت در روند برگزاری و کاهش هزینه‌های عمومی و موارد دیگر دارد. برای مثال پس از انتخابات پر حرف و حدیث آمریکا در سال ۲۰۰۰ تمرکز تلاش‌های عمده اصلاحات انتخاباتی عمدتاً بر بهبود اثربخشی و قابلیت فناوری‌های رأی‌گیری بوده است.

در این راستا قوانینی جهت تأمین بودجه برای جایگزینی دستگاه‌های جدید و فناوری‌های رأی‌گیری دقیق‌تر تصویب و اجرایی گردید و تقریباً همه حوزه‌های انتخاباتی به اسکن نوری

^۱ . برای مطالعه بیشتر می‌توان به تارنمای ذیل مراجعه کرد:

برگه‌های رأی یا دستگاه‌های رأی‌گیری الکترونیکی ضبط مستقیم (DRE) روی آوردند و استفاده از کارت‌های پانچ و ماشین‌های اهرمی را کنار گذاشتند (Stewart III, ۲۰۰۶, p. ۱۵۶).

این تغییر فناوری‌های جدید رأی‌گیری باعث کاهش تعداد برگه‌های رأی شمارش نشده - برگه‌هایی با آرای بیش از حد یا کمتر از آرا (که به‌عنوان «آرای باقی مانده» نیز گفته می‌شود) - در مقایسه انتخابات ۲۰۰۴ با انتخابات ۲۰۰۰ را کاهش داد که پیشرفت مناسبی ارزیابی می‌گردد (Adler & Hall, ۲۰۱۳, p. ۱۴۷).

در فرایند احراز صلاحیت‌ها نیز استفاده از ابزارهای روز تأثیر فراوانی بر تسریع فرایند احراز صلاحیت دارد که خود می‌تواند شامل مراحل مختلف آن گردد. برای مثال در ایران استعلام از مراجع قضایی و امنیتی چنانچه برخط و در قالب کارتابل صورت پذیرد، سرعت این فرایند را افزایش می‌دهد (اسدی اوجاق، طاهری، ۱۴۰۱: ۲۱-۲۰). نمونه‌های دیگری در استفاده از فناوری‌های نوین جهت فرایند احراز صلاحیت‌ها وجود دارد؛ در استونی با استفاده از رأی‌گیری الکترونیکی و احراز هویت دیجیتال، در هند با به‌کارگیری هوش مصنوعی در تحلیل اطلاعات نامزدها، و در آلمان با به‌کارگیری سامانه‌های ثبت احوال و بررسی دیجیتال شرایط نامزدها؛ از مهم‌ترین موارد استفاده از این ابزار می‌باشد. این فناوری‌ها موجب افزایش دقت، سرعت و شفافیت در فرایند انتخابات شده‌اند، اما چالش‌هایی همچون امنیت سایبری، خطاهای الگوریتمی و نابرابری در دسترسی به فناوری نیز مطرح‌اند. در این میان، ترکیب داده‌های دیجیتال با نظارت انسانی و سازوکارهای حقوقی شفاف می‌تواند تعادلی میان کارآمدی، عدالت و امنیت در احراز صلاحیت داوطلبان برقرار کند.

استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش دقت، سرعت و شفافیت در انتخابات، موضوعی است که سیاست‌های کلی انتخابات به آن پرداخته‌اند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت شفافیت و سلامت انتخابات (بند ۱۲)، نه تنها به بهبود کارایی فرایند انتخابات می‌انجامد، بلکه امکان نظارت مؤثرتر و جلوگیری از تخلفات را نیز فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در مجموع اصول و بایسته‌های حاکم بر شرایط داوطلبان انتخابات در دو بخش تعیین شرایط و فرایند احراز صلاحیت بررسی گردید. مثال‌های تطبیقی ارائه‌شده در مقاله هم، هرکدام نشان‌دهنده تحقق یک یا چند معیار انتخاب اصول مرتبط با شرایط و فرایند احراز صلاحیت داوطلبان هستند. این مثال‌ها از نظام‌های حقوقی مختلف انتخاب شده‌اند تا نشان دهند که چگونه معیارهای مورد نظر در کشورهایی با ساختارهای سیاسی گوناگون عملیاتی شده‌اند. همچنین، این تطبیق نشان می‌دهد که این اصول نه‌تنها نظری، بلکه دارای مصادیق عینی و اجرایی در نظام‌های حقوقی و سیاسی موفق هستند.

با این حال باید اذعان داشت که برخی اصول مانند اصل قانونی بودن، حداقل سن و مسئله فرایند رسیدگی به اعتراضات تقریباً در تمامی کشورها رعایت شده و به‌عنوان اصولی پایدار از آنان می‌توان یادکرد. در مقابل برخی اصول در برخی کشورها چالش‌برانگیز شده یا حتی نگرش‌های متفاوتی را عامل شده است؛ نکته‌ای که در مورد اصل بی‌طرفی نهاد ناظر وجود دارد و اساساً شکل‌گیری یک نهاد بی‌طرف را سخت و حتی ناممکن می‌کند یا اصل شفافیت در فرایند احراز صلاحیت که در نظام‌های انتخاباتی مختلف، اشکال مختلفی دارد چنان‌که در دانمارک کاملاً محرمانه و مبتنی بر حفظ حیثیت نامزد است و در آمریکا مبتنی بر شفافیت و ارائه دلایل رد به‌صورت عمومی است.

مسئله مهمی که این مقاله به آن به‌طور کلی پرداخت، امکان یا عدم امکان شکل‌گیری نوعی الگوی مشترک جهانی جهت احراز صلاحیت بود. از آنجا که شرایط سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی هر کشور متفاوت است، نمی‌توان یک الگوی جهانی کامل و یکسان برای احراز صلاحیت داوطلبان ایجاد کرد. هر کشور بر اساس نظام سیاسی خود و ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اش معیارها و اصول خاصی را تدوین می‌کند و این نشان از نوعی زمان‌مندی و مکان‌مندی در ذات این اصول است. برای مثال، در برخی نظام‌های انتخاباتی تأکید بر معیارهایی مانند حداقل سن، تابعیت و سکونت در کشور است، در حالی که در نظام‌های دیگر مواردی مانند عدم سوءپیشینه و موارد این‌چنینی نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

با این حال، اصول کلی مانند شفافیت، قانونی بودن، و عینیت در تعیین شرایط داوطلبان تقریباً در همه نظام‌های دموکراتیک مورد توجه هستند. در پژوهش‌های تطبیقی از این دست، کشورها می‌توانند از تجربه‌های یکدیگر الهام گرفته و بهترین روش‌ها را با توجه به شرایط داخلی خود اعمال کنند. این فرایند امکان بهبود شفافیت، عادلانه بودن و دقت در فرایند احراز صلاحیت را فراهم می‌آورد.

ایجاد چارچوب استاندارد بین‌المللی برای احراز صلاحیت داوطلبان انتخاباتی می‌تواند گامی مؤثر در راستای تضمین سلامت، عدالت و شفافیت انتخاباتی در سراسر جهان باشد. این چارچوب باید بر پایه اصول مشترک نظیر شفافیت، قانونی بودن، بی‌طرفی و رعایت حقوق بنیادین افراد بنا شود و در عین حال انعطاف‌پذیری کافی برای انطباق با شرایط محلی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کشور را داشته باشد. سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، اتحادیه بین‌المجالس (IPU) و سایر نهادهای منطقه‌ای می‌توانند نقش کلیدی در تدوین، نظارت بر اجرا و تضمین پایبندی به این چارچوب ایفا کنند. بهره‌گیری از تجربیات موفق نظام‌های انتخاباتی مختلف و همچنین آموزش و اطلاع‌رسانی به کشورها درباره مزایای این چارچوب می‌تواند پذیرش و کارآمدی آن را ارتقا دهد. چنین چارچوبی با هدف افزایش عدالت، اعتماد عمومی و تضمین حقوق شهروندان در فرایند انتخابات، می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت سیاسی مؤثرتر و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در دولت‌های مختلف باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابوالحسنی، محسن (۱۳۹۳). گزارش پژوهشی آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم استقلال، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۲. اسدی اوجاق، نادر و طاهری، محسن (۱۴۰۱). تأملی بر کاربست فناوری‌های نوین در نظام انتخاباتی و الزامات قانونی آن در نظام حقوقی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۵): ۴۵-۴۷. <https://doi.org/10.22034/law.2022.056199.1173>
۳. اسماعیلی، محمدمهدی، و موحدیان، احسان (۱۳۸۸). انتخابات در نظام جمهوری اسلامی و بررسی نقش رسانه ملی در آن. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶(۱): ۱۷۵-۱۹۲. <https://doi.org/10.22082/cr.2009.23908>
۴. اطاعت، جواد (۱۳۸۳). انتخابات و نظارت شورای نگهبان. حقوق اساسی، ۱(۲): ۳-۲۷. https://www.asasimag.ir/article_105582_4d0097160a1841e1c732869688709ddc2.pdf
۵. انصاری، باقر (۱۳۹۹). اصول و فنون قانون‌گذاری، تنظیم پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح، تنقیح و تدوین قوانین. تهران: انتشارات دادگستر.
۶. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه. حقوق اساسی، ۴(۷): ۴۵-۵۵. https://www.asasimag.ir/article_105321.html
۷. تقی‌زاده، جواد (۱۳۹۰). اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۵(۳): ۷۵-۹۲. https://clr.modares.ac.ir/article_13764.html?lang=fa
۸. تقی‌زاده، جواد، کریم‌زاده شریف‌آباد، طیبه (۱۳۹۲). اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهادهای سیاسی. مطالعات حقوقی، ۵(۱): ۲۵-۴۸. <https://doi.org/10.22099/jls.2013.1566>
۹. حاجی ملا، هیوا، محمدی، عقیل (۱۴۰۰). نسبت‌سنجی اصل ضرورت و اصل تناسب در قلمرو تحدید و تعلیق حق‌های بشری. مطالعات حقوقی، ۱۳(۱): ۲۹-۵۴. <https://doi.org/10.22099/jls.2020.38517.4077>

۱۰. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۱۱. خسروی، حسن. (۱۳۸۷). حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران: مجد.
۱۲. باقری خوزانی، محمدحسن، برومند، محمد، صالحی، محمد (۱۴۰۳). بایسته‌های تضمین شفافیت در انتخابات ریاست‌جمهوری؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۴(۴): ۲۵۲۳-۲۵۴۶.
<https://doi.org/10.22059/jplsq.2023.349933.3202>
۱۳. رضائی زاده، محمدجواد، داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۵(۱۴): ۱۱۷-۱۴۲
https://nag.shora-rc.ir/article_96.html
۱۴. شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۹۸). حقوق اساسی تطبیقی، شیراز: نشر شیراز.
۱۵. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۵). نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۱۸(۶۹): ۸۸-۶۳
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1394.18.69.3.9>
۱۶. عباسی لاهیجی، بیژن، باقری خوزانی، محمدحسن، فراهانی، محمدصادق (۱۴۰۲). تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۴(۱): ۲۹-۵۲
<https://doi.org/10.30497/law.2023.243778.3324>
۱۷. عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.
۱۸. سیدفاطمی، سیدمحمدقاری (۱۳۸۰). تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر، حق تعهد، آزادی، برابری و عدالت. تحقیقات حقوقی، ۴(شماره ۳۳-۳۴): ۲۰۹-۲۶۵
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56567.html
۱۹. قاسمی حامد، عباس و براری چناری، یوسف (۱۴۰۳). شناسایی نهادهای ناظر بازار اوراق بهادار ایران با مطالعه امکان یا عدم امکان دخالت شورای رقابت در این بازار با مطالعه تطبیقی حقوق آمریکا، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۴): ۷۴-۱۱۳
<https://doi.org/10.22034/law.2024.2028957.1337>
۲۰. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم.

۲۱. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوازدهم.
۲۲. مرکز مالامیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، چاپ اول.
۲۳. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۹). حقوق اساسی تطبیقی، تهران: نشر پایدار.
۲۴. مونتسکیو (۱۳۴۳). روح القوانين. ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۲۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادیهای اساسی. تهران: نشر میزان.



References

- ۱- Abbasi Lahiji, B., Bagheri Khuzani, M. H., & Farahani, M. S. (2023). Reflections on transparency criteria regarding candidates, election administrators and monitors in parliamentary elections; with emphasis on the general policies of elections. *Islamic Law Research Journal*, 24(1), 29-52.
<https://doi.org/10.30497/law.2023.243778.3324> (In Persian)
- ۲- Abolhasani, M. (2014). *A research report on the concepts of public law: A study on the concept of independence*. Constitutional Council Research Institute. (In Persian)
- ۳- Alipour, H. (2016). The legal system of elections and the right to vote in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies*, 18(69), 63-88.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1394.18.69.3.9> (In Persian)
- ۴- Ansari, B. (2020). *Principles and techniques of legislative drafting: Drafting of bills and proposals, codification and revision of laws*. Dadgostar Publications. (In Persian)
- ۵- Asadi Ojagh, N., & Taheri, M. (2022). Reflection on the application of modern technologies in the electoral system and its legal requirements in Iran's legal system. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 5(15), 17-45. (In Persian)
- ۶- Azdanlou, H. (2005). *Introduction to the basic concepts of sociology*. Ney. (In Persian)
- ۷- Bagheri Khuzani, M. H., Borumand, M., & Salehi, M. (2025). Requirements for ensuring transparency in presidential elections; with emphasis on the general policies of elections. *University of Tehran Journal of Public Law Studies*, 54(4), 2523-2546.
<https://doi.org/10.22059/jpls.2023.349933.3202> (In Persian)
- ۸- Bozorgmehri, M. (2006). A comparative study of voter and candidate qualifications in the presidential electoral systems of Iran and France. *Constitutional Law*, ۱(۷), ۴۵-۵۵.
https://www.asasimag.ir/article_۱۰۵۳۲۱.html (In Persian)
- ۹- Esmaili, M., & Mohahedian, E. (2009). Elections in the Islamic Republic system and the role of national media. *Communication Research*, 16(1). (In Persian)
- ۱۰- Eta'at, J. (2004). Elections and the Constitutional Council's supervision. *Constitutional Law*, 1(2), 3-27.
https://www.asasimag.ir/article_۱۰۵۵۸۲_۴d۰۰۹۷۱۶۰a۱۸۴۱e۱c۷۳۲۸۶۹۶۸۷۰۹ddc۲.pdf
(In Persian)
- ۱۱- Ghasemi Hamed, A., & Barari Chenari, Y. (2024). Identifying supervisory institutions in Iran's securities market with a study on the possibility or impossibility of the Competition Council's intervention in this market: A comparative study with U.S. law. *Journal of*

- Research and Development in Comparative Law*, ۷(۲۴), ۷۴-۱۱۳.
<https://doi.org/10.22034/law.2024.2028907.1337> (In Persian)
- ۱۲- Ghazi, A. (2004). *Constitutional law and political institutions* (12th ed.). Mizan Publishing. (In Persian)
- ۱۳- Ghorbannia, N. (2008). *Human rights and international humanitarian law* (12th ed.). Organization for Publishing of the Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- ۱۴- Haji Mola, H., & Mohammadi, A. (2021). Balancing the principle of necessity and the principle of proportionality in restricting and suspending human rights. *Legal Studies*, 13(1), 29-54. <https://doi.org/10.22099/jls.2020.38517.4077> (In Persian)
- ۱۵- Hashemi, S. M. (2005). *Human rights and fundamental freedoms*. Mizan Publishing. (In Persian)
- ۱۶- Khaleghi, A. (2014). *Notes on the Criminal Procedure Code*. Institute for Legal Studies and Research of Shahre Danesh. (In Persian)
- ۱۷- Khosravi, H. (2008). *Democratic electoral law*. Majd. (In Persian)
- ۱۸- Madani, S. J. (2000). *Comparative constitutional law*. Paydar Publishing. (In Persian)
- ۱۹- Malamiri, A. (2006). *Rule of law: Concepts, foundations and interpretations* (1st ed.). Parliament Research Center. (In Persian)
- ۲۰- Montesquieu. (1964). *The spirit of the laws* (A. A. Mohtadi, Trans.) (5th ed.). Amir Kabir Publishing. (In Persian)
- ۲۱- Rezaeezadeh, M. J., & Davari, M. (2016). Foundations and principles of eligibility assessment for parliamentary candidates. *Public Law Knowledge*, 5(14), 117-142. https://mag.shora-rc.ir/article_96.html (In Persian)
- ۲۲- Seyyed Fatemi, M. (2001). Analysis of key concepts in contemporary human rights: Obligation, freedom, equality and justice. *Legal Research*, 4(33-34), 209-250. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56567.html (In Persian)
- ۲۳- Sheikh al-Eslami, M. (2019). *Comparative constitutional law*. Shiraz Publishing. (In Persian)
- ۲۴- Taghizadeh, J. (2011). The exercise of voting rights in the political electoral laws of Iran and France. *Comparative Legal Studies*, 15(3), 75-92. https://clr.modares.ac.ir/article_13764.html?lang=en (In Persian)

- ۲۵- Taghizadeh, J., & Karimzadeh Sharifabad, T. (2013). The principle of equality and legal supervision over elections of political institutions. *Legal Studies*, 5(1), 25-48. <https://doi.org/10.22099/jls.2013.1566> (In Persian)

